

## علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین!؟

(۶)

# طبیعی و فطری بودن قوانین اسلام

بهترین آئینها و قانونها آنست که با طبیعت آدمی و سازمان آفرینش او، سازگار بوده نیازمندیهای همه جانبه طبیعی و فطریش را برآورد و گرنه، نه قابل عمل است و نه میتواند آدمی را خوشبخت و سعادتمند سازد.

همانطور که معده آدمی، طوری آفریده شده که قابلیت هضم هر نوع غذایی را ندارد و اگر سنگریزه و یا سم، در آن ریخته شود و یا بطور کلی از غذا خالی بماند فاسد میگردد، و نیز آفرینش آدمی طوری است که بایستی هنگام راه رفتن، سنگینی بدنش را روی پاهایش قرار دهد و اگر پادستش راه برود، عوارض نامطلوبی بدنبال خواهد داشت،

همینطور در سرشت آدمی، میلها و خواستههایی از قبیل: معرفت فطری، غریزه جنسی، حب به ذات، علاقه بمال و زندگی، حس حقیقت جوئی، عدالتخواهی، حریت و آزادی... وجود دارد که نادیده گرفتن و یا افراط کردن در آنها، مایه بدبختی و هلاکت است.

این طرز خلقت آدمی، که دارای ابزار و نیازمندیهای خاصی است و از آن تعبیر به «فطرت» و «طبیعت» می شود، همواره بایستی در مقام قانون گذاری، مورد توجه قانون گذاران و بانیان مذاهب باشد تا با تنظیم قوانین و برنامههایی متناسب با سرشت و فطرت آدمی، بتوانند نیازمندیهای طبیعی او را رفع کرده سعادت فردی و اجتماعی را تامین نمایند.

اینکه می بینیم: در طول تاریخ بشریت، مذاهب و قوانین گوناگونی پدید آمده ولی طولی نکشیده که در باتلاق زمانه دفن شده و از درجه اعتبار ساقط گردیدند، یکی از عوامل مهم آنرا، بایستی در عدم انطباق آن مقررات و دستورها با قوانین تکوین و سرشت آدمی دانست.

تصویب نظام ظالمانه طبقاتی و تبعیضات نژادی، سلب حق حیات و اختیار

از قشر وسیعی از افراد جامعه و سپردن آن بدست افرادی خودکامه ، مقدس شمردن عزوبت و تحریم ازدواج برای پدران روحانی و دختران خدا ، سلب مالکیت بطور کلی و اباحه کامیابی جنسی بدون هیچ گونه قید و شرط ! و نظائر اینها از اینگونه قوانین و برنامه‌ها است.

### اسلام آئین فطرت

گرچه همه ادیان صحیح آسمانی بر اساس فطرت استوارند و تمام پیامبران الهی ، مطالبه کنندگان پیمان فطرتند اما اسلام در این زمینه امتیاز بیشتر و آشکارتری دارد. بیشتر! از این جهت که آخرین و کاملترین آنهاست، آشکارتر از این نظر که همه جانبه‌تر و بنیادی‌تر و دوراز تحریف و تغییر، باقیمانده است.

اینکه گفتیم : همه ادیان صحیح آسمانی بر اساس فطرت استوارند ، رمزش اینست که این نظام تشریح (برنامه دینی) از ناحیه همان خدائی تنظیم شده است که نظام تکوین (جهان آفرینش) را پدید آورده است . هیچگاه ممکن نیست میان نظام تکوین و تشریح او، اختلاف و عدم سازش وجود داشته باشد .

این قرآن مجید است که باین اصل ، تصریح دارد : «**فأقم وجهك للدين الحنيفاً فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم**» .

یعنی : «**بدین حنیف (معتدل و حق) روی آور، به آئین فطرت متوجه شو، همان آئین پاکی که خداوند تمام بشر را با آن آئین فطرت ؛ آفریده است ، خلقت خدا تغییر پذیر نیست ، اینست آئین استوار و تزلزل ناپذیر الهی**» (۱)

علی علیه السلام نیز ، آنجا که فلسفه پیاپی آمدن انبیاء الهی را بیان می کند ، بیدار کردن فطریات بشر را از وظایف بزرگ آنان می شمارد : «**فبعث فیهم رسلاً و وائر علیهم انبیاءه لیستأدوهم فطرته و یذکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یشیروا لهم دفائن العقول**» (۲)

یعنی : خداوند ، پیامبران خود را یکی پس از دیگری در میان مردم فرستاد ، تا از آنان ؛ پیمان فطرت را مطالبه کنند ، و نعمتهای فراموش شده خدا را ، یاد آوری نمایند و از رهگذر تبلیغ بر آنان اتمام حجت کنند و گنجهای عقول مردم را ، استخراج نمایند .

اینکه علی علیه السلام ، پیامبران را مطالبه کنندگان پیمان فطرت و یادآورندگان

۱- سوره روم آیه ۳

۲- نهج البلاغه عبه ج ۱ ص ۱۷

نعمتهای فراموش شده و استخراج کنندگان گنجهای عقول مردم؛ معرفی نموده، مانند قرآن مجید که پیامبر اسلام را «مذکر» میدانند (۱) نشان دهنده این حقیقت است که اسلام، جز يك سلسله مقرراتی که بردستگاه آفرینش عمومی و خصوصی انسان قابل انطباق است، چیز دیگری نمی باشد (۲).

این حقیقت با مطالعه در متن آئین اسلام، چه در قسمت عقائد و اخلاق، و چه در قسمت احکام و عبادات بخوبی آشکار میگردد.

اگر اسلام مردم را دعوت بخداشناسی و توحید میکند این عقیده ریشه فطری دارد. «**ذان ژاک روسو**» در این باره میگوید: «راه خداشناسی منحصر به عقل و شکوک و توهمات اونیست بلکه شعور فطری، بهترین راهی است برای اثبات این موضوع» (۳) اگر اسلام در دعوت جهانی خود تعلیم میدهد که کتاب عمر آدمی با مرگ بسته نمی شود و جهان دیگری در پیش است، این نیز ریشه فطری دارد «نورمان فنسنت بیل» در مجله «ریدرز دایجست» مینویسد: «حقیقت این است که این ایمان و اعتقاد فطری بزندگی پس از مرگ؛ بهترین و نیرومندترین دلیل برای تحقق واقعیت يك چنین عالمی است، هرگاه خداوند بخواهد بشر را نسبت بیک موضوعی قانع کند، عوامل و اسباب ایمان و باور را در غریزه و فطرت او قرار میدهد. روی همین حساب است که هر کسی در نهاد خود عشق بدوام زندگی و حب بقاعرا، حتی در دنیای دیگری می یابد و این ادراک همگانی آنچنان عمیق و ریشه دار است که نمیشود واقعیت و تاثیر آنرا در زندگی افراد بشر نادیده گرفت و همین انگیزه درونی و فطری است که از دیر زمانی اعتقاد بزندگی پس از مرگ را در افراد بشر زنده نگه داشته است» (۴)

اگر اسلام، تشکیل خانواده، بهره برداری از لذات مشروع زندگی، عدالتخواهی، احراز مقامات اجتماعی، مساوات و آزادی... را تجویز و تاکید میکند و در مقابل ازبیداد -

۱- فذکرانما انت مذکر (سوره غاشیه آیه ۲۱)

۲- گرچه در اسلام يك سلسله قوانین دیگری که از اختیارات حاکم شرع است داریم که بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی تنظیم می شود و همواره در تغییر است اما این قسم احکام لطمه به مقررات ثابتة اسلام که بر اساس فطرت پایه ریزی شده است نمیزند بلکه از آن سرچشمه میگیرد. مراجعه شود بکتاب «اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر» تالیف استاد علامه طباطبائی.

۳- ارتباط انسان و جهان ج ۲ ص ۱۷۵

۴- بسوی جهان ابدی ص ۸۸

گری، دست کشیدن از مظاهر زندگی، نادیده گرفتن غریزه جنسی، ارتکاب زشتیها و تولیدیها رانکوهش میکند، همه اینهاریشه طبیعی و فطری دارد و همین خود رمز جاودانی بودن اسلام است.

### رمز پیشرفت اسلام

علیرغم همه موانع و مشکلاتی که در سر راه پیشرفت اسلام وجود داشته و دارد، اسلام همواره در حال پیشرفت و گسترش مستمر بوده و هست تا جائیکه در عصر ما، تنها در کشورهای آفریقائی، در مدت سه سال، ۱۵ میلیون نفر و در آمریکا در مدت بیست سال یک میلیون نفر سیاه به این آئین گرویده اند و بطور قطع یکی از عوامل مهم این پیشرفت سریع، همان «طبیعی و فطری بودن محتوای اسلام» است.

یکی از متفکرین بزرگ اسلامی، پس از ذکر یک سلسله مشکلات و موانعی که در سر راه پیشرفت اسلام وجود داشته و دارد و نفی اتهام توسل به زور و اعجاز از ناحیه پیامبر اسلام و مسلمانها مینویسد:

«... رمز پیروزی شکفت انگیز و پیشروی برق آسای روش اسلامی از آنجهت بود که برنامه و مقررات آن با احتیاجات فطری و ساختمان وجود انسان موافق بود و حقائق و اصول آنهم بهرهت با عقل سلیم، سازگاری داشت و پیداست که چون فطرت انسان روشن و بینا شد و بد راه صحیح افتاد، دیگر هیچ چیز نمیتواند مانع پیشرفت او گردد و او را از هدف بازدارد» (۱)

### بقیه از صفحه ۳۴

بطور مسام با این وضع هیچ محقق منصفی نمیتواند این نسبت را به مسلمانان بدهد. و این مدارک مسلماً نمیتواند سند قطعی و معتبری برای اثبات این موضوع باشد زیرا برای اهل تحقیق جای این سؤال باقی است که اگر این مطلب صحت دارد چرا در کتابهای متقدمین نقل نشده است؟! بقول یکی از محققین «سدیو» در کتاب «خلاصه تاریخ عرب» دلیل بر ساختگی این مطلب اینست که در تواریخ متقدمین از قبیل: طبری، یعقوبی، کندی، مسعودی، ابن عبدالحکیم و بلادری ذکری از آن بمیان نیامده است» (۲)

بالاخره معلوم نیست مورخینی که در قرنهای هفتم و هشتم می زیستند، روی چه اصل و چه مدرکی این نسبت ناروا را به سربازان اسلام داده اند و مدرکشان در این باره چه بوده است؟ این مطلب ادامه دارد»

۱- اسلام آئین فطرت ص ۱۴۹

(۲) بنا بنقل دائرة المعارف فرید وجدی ج ۱ در ذیل کلمه «اسکندریه»